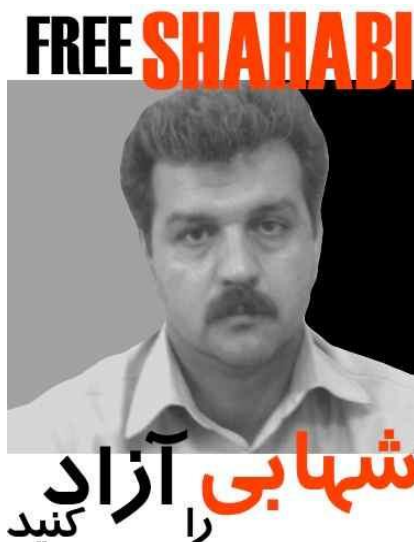


در نظام جمهوری اسلامی ایران، جان آدمی چه ارزان به حراج گذاشته می شود!



امیرجوآهری لنگرودی

Amijavaheri@yahoo.com

یکشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۰ برابر با ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱

به همه کارگران و زحمتکشان !

حالا اطلاع رسان ما شده اند: " کمیته دفاع از رضا شهابی"، منبعی موثق و بیواسطه و خبرهای پراز دلهره و نگرانی آقا رضا را از درون زندان اوین، زندانی به وسعت ایران را به این سوی دیوار می رسانند.

در اطلاعیه شماره ۳ روز شنبه ۱۹ آذر خبر می دهند: "... مامورین بند ۲۰۹ رضا شهابی را برای ملاقات به کابین ملاقات تلفنی آوردند. رضا به حالت نیمه جان درآمده و او را تا مسافتی با ماشین به سالن منتقل کرده بودند و سپس مامورین زیر بغل او را گرفته و کشان کشان تا کابین گفتگو آورده بودند. رضا انچنان ضعیف و بیجان بوده است که به سختی حرف میزد و همچنین نیم بدنش به حالت بیحس و فلج درآمده، و با سری کج به یک سو و کاملاً خمیده و کم جان مینموده است. مامورین تایید کرده اند که نامه ی دادستان برای انتقال اورژانسی رضا به بیمارستان را از روزیکشنبه ۱۳ آذر در اختیار دارند اما او را احتمالن در یکی از روزهای شنبه ۱۹ آذر یا یکشنبه ۲۰ آذر یعنی یک هفته بعد از دریافت نامه ی دادستان، به بیمارستان خواهند برد...". در اطلاعیه شماره ۴ به فاصله یک روز خبر می رسانند: " روز یکشنبه ۲۰ آذر ما مسئولین زندان اوین، رضا شهابی را به جای بیمارستان به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل کردند. این خبر را رضا طی تماسی تلفنی به خانواده اعلام کرد و گفت که مسئولین زندان در توجیه این اقدامشان گفته اند: «فشار خون تو بسیار پایین است و به همین دلیل باید به بند ۳۵۰ منتقل شوی و نه بیمارستان!»! و در ادامه آمده است: " خطر جانی و احتمال فلج شدن رضا را به شدت تهدید می کند و نگرانی ها برای سلامت او بسیار بالا رفته است...."

مقایسه این دو اطلاعیه نشان می دهد ؛ چه نازلند این شکنجه گران دون صفت، که روزی قاضی القضااتش در سفر است و باز جوش در لج، و روز دیگر زندانبانانش اینگونه سفسطه بازند و جگر خواره!

زندانبانانی که اینگونه آدمی را که از سر مقاومت دست به چنین ایستادگی زده، اینگونه در برابر چشمان کس و کارشان و در برابر چشمان این خیل عظیم چند ده میلیونی طبقه رنج و کار، بر سر تخت مرگ و زندگی دست به دست می چرخانند.

رضا شهابی، کارگرو عضو هیأت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، پیشتر گفته بود "دیگر تاب اینهمه بلاتکلیفی را ندارم و دست به اعتصاب غذا زد" گاهی اوقات آدمی بیش از حد و توانش لجوج می شود و در این هنگام امر لطمه و آسیب به خود و کسانش برایش بی معنی می گردد. در چنین هنگامی آدمی برای ادامه حرکتش، تن به معامله گری نمی دهد، نه اینکه دردهایش را مخفی کند. توگویی از در خودش می گریزد و با همه وجود به درد نهیب میزند و آدمی می رود تا با پایش و سخت جانی اش تا جایی که آرزو دارد برسد. رضا شهابی همه آرزویش آزادی از زندان و مداوا و بازگشت به درون خانواده و بر سر کار، دست یافتن به مطالبات بی پاسخ مانده خود و آن دیگر هم طبقه ی هایش است. تنها از این روست که مقاومت می ورزد. در این هنگام آن دیگرانند که باید راه چنین لجاجت و سخت سری را با آزادی رضا شهابی، بازکنند تا زندگی این کارگر مبارز و مقاوم که حاضر نیست حتی بر سر جانش کوتاه بیاید، در مسیر عادی زندگی اش افتد.

زندانبانان رضا شهابی، در شرایطی کمتر از یک هفته کارگزار حمتکشی با مشخصه ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای مدیریت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را بعد از گذشت سه سال زندان و با قرار وثیقه آزاد شده بود. چهارشنبه همین هفته دوباره به زندان باز می گردانند. علی نجاتی را با قلب بیمارش تنها سه روز مرخصی می دهند. گرامی داشت شانزدهم آذر را به بهانه عاشورای حسینی، ناممکن می سازند. یادواره سیزدهمین سالگرد سلسله قتل های زنجیره ای سیاسی را هم برای کانونیان و هم اعضای خانواده مختاری- محمد جعفر پوینده - مجید شریف- پروانه اسکندری و داریوش فروهر، به رغم عزو ماتم و سینه زنی کشاندن امت خود، عملاً مجوز نمی دهند و پرستو فروهر را که از اروپا به ایران رفته تا چون هر سال یاد مادر و پدر و دیگر جان باختگان راه آزادی را گرامی بدارد، احضار می کنند. این همه بیانگر دیو صفتی نظامی است که مصمم است با قمه، چکمه، جماق و به زور اسلحه، زندان، شکنجه به عمر خود ادامه دهد. جان آدمی را به ارزانی و در برابر چشمان کسانش بستانند و همچون هزاران جنایت دیگر به هیچکس حساب پس ندهد. ولی امروز همچون دیروز و هر روز مقاومت و ایستادگی و سخت جانی آنانی که شیوه مبارزه را خود برمی گزینند، همواره راه پیشروی جلا دادن راسد می کند. امروز همه " کمیته دفاع از رضا شهابی" یعنی تمامی اعضای خانواده او، یک صدا نگران وضعیت جسمی رضا شهابی و ادامه عدم رسیدگی و آزادی اش هستند و یک صدا به همه جهان اعلام می دارند: "رضا را به ... جرم بیمار بودن و دربند بودن، قرار است محاکمه کنند! رضا هیچ جرمی مرتکب نشده است.

کمیته دفاع از رضا شهابی خواهان مداوا و آزادی بی قید و شرط رضا میباشد.

مسئولین قضایی باید مطابق واقعیات برای رضا برائت و حکم آزادی صادر کنند در حالی که اعلام شده برای او دادگاه تشکیل خواهد شد.

در حالی که رضا نوزدهمین روز اعتصاب خود را در بدترین شرایط جسمی سپری می کند، ما هرگونه ادامه ی بازداشت رضا را محکوم می کنیم و از همگان خواهانیم برای آزادی رضا شهابی تلاش نمایند".

ما نیز نگران ادامه اعتصاب غذایش هستیم. خواست ما پایان بخشیدن به اعتصاب و مداومت او بر سر حق ستانی اش و فرجه به جسم و جانش در این مرحله از مبارزه و استمرار مقاومت او را ممکن و پیشروی زندانبانان را ناممکن می سازد.

آقا رضای شهابی ، همه ما در کنار خانواده ات ، بیش از هر چیز به آزادی ات می اندیشیم و نگران ادامه اعتصاب غذای تو هستیم ، نگرانیم رفیق نگران !